

بررسی پیامدهای سیاسی - اقتصادی تنش در تنگه استراتژیک هرمز

رضا شاملو*

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

عبدالرضا فرجی راد

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

چکیده

تنگه هرمز یکی از تنگه‌های حساس و راهبردی دنیا است که به دلیل ارزش‌های ارتباطی، ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی عامل جغرافیایی مؤثری در موازنه قدرت و تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد. از آنجا که این تنگه دروازه اصلی تجارت بین‌المللی ایران و همسایگان جنوبی آن به آب‌های آزاد، صدور انرژی و تمرکز سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی است، بروز هرگونه بحران و تنش در آن منجر به تأثیرگذاری در سطح منطقه و جهان می‌گردد. هدف این پژوهش، تبیین اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز و پیامدهای سیاسی - اقتصادی تنش در این تنگه استراتژیک است. داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری گردیده و با روش استفاده از توصیفی کیفی سعی دارد به ارائه پاسخ به سؤال این تحقیق که «اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز چیست؟ و ایجاد تنش در آن چه پیامدهای سیاسی و اقتصادی در عرصه منطقه‌ای به دنبال دارد؟» بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان داد تنگه هرمز بدون تردید، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیک و محاسبات استراتژیک می‌باشد. تنگه هرمز تا زمانی راهبردی است که جریان انتقال انرژی از آن با امنیت و بدون تنش در بین کشورهای منطقه صورت پذیرد. ایجاد تنش در این تنگه حیاتی و بروز هرگونه ناامنی تردد در آن، آثار زیانباری و جبران‌ناپذیری از قبیل حضور و مداخله قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، ناامنی در تردد کشتی‌ها، فشار اقتصادی و سیاسی بر کشورهای حوزه خلیج فارس، افزایش قیمت نفت، تزلزل اقتصاد جهان، بحران‌های سیاسی، اقتصادی و انرژی در سطح جهانی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت.

کلیدواژگان: خلیج فارس، تنگه هرمز، تنش، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک.

* نویسنده مسئول: r.shamloo@sndu.ac.ir

مقدمه

وجود روابط تنش‌زا میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین وجوه حکمرانی انسان در کره زمین به شمار می‌رود. این امر از زمان تشکیل دولت-ملت‌ها بعد از قرارداد وستفاليا شکل بارزتری به خود گرفت و همواره در برهه‌های مختلف زمانی روابط خصمانه میان کشورهای همسایه، جایگزین روابط دوستانه گشته که در بسیاری از موارد به جنگ نیز انجامیده است (فرجی راد و قربانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶۵). در این بین، عوامل جغرافیایی که شامل موقعیت جغرافیایی، سرزمین یا قلمرو، تنگه‌ها، کانال‌ها، جزایر، خلیج‌ها و ... است، نقش عمده‌ای را در بروز تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی همسایه ایفا کرده است. تنگه-ها و آبراه‌های بین‌المللی که مسیرهای اصلی عبور کشتی‌ها در بین اقیانوس‌ها و دریاها هستند از جمله موقعیت‌های استراتژیکی مهمی هستند که در قدرت ملی و سیاست خارجی و نیز روابط فی‌مابین کشورها تأثیر دارند؛ یکی از این تنگه‌های راهبردی در جهان، تنگه هرمز است.

تنگه هرمز آبراهه‌ای است که خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند را به هم پیوند می‌دهد و به‌عنوان شریان حیاتی عبور نفت و انرژی خلیج فارس به نقاط مختلف دنیا عمل می‌کند. این تنگه به دلیل ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، عامل جغرافیایی مؤثری در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی و تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد. تنگه هرمز برای ایران دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا هم از نظر اقتصادی، کشور ایران به‌شدت به تنگه هرمز وابسته است و با امنیت ملی ایران پیوند خورده است و هم به‌عنوان یک عامل قدرت آفرین منطقه‌ای برای ایران اهمیت زیادی دارد و به‌عنوان پشتوانه‌ای برای سیاست خارجی کشور در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود و ج.ا.ایران می‌تواند از آن به‌عنوان اهرم فشار یا خنثی‌سازی فشارهای خارجی استفاده کند و تنش‌های منطقه‌ای را کاهش داده و یک منطقه پایدار و امن را در خلیج فارس بر مبنای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز پایه‌ریزی نماید. تنگه هرمز برای کشورهای کناره آن نیز از لحاظ اقتصادی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا اقتصاد و حیات کشورهای منطقه خلیج فارس وابسته و محدود به نفت است و از حیث صادرات و واردات کالا به تنگه هرمز وابستگی شدیدی دارند. مسدود شدن این تنگه راهبردی و ایجاد هرگونه تنش و ناامنی در آن، نه‌تنها به اقتصاد کشورهای غربی و صنعتی لطمه خواهد زد، بلکه خسارات جبران‌ناپذیر و زیان اقتصادی فراوانی را به کشورهای منطقه تحمیل خواهد نمود. این امر برای نویسندگان این مقاله ابهام و دغدغه‌ای از عدم وجود یک کار علمی در راستای موضوع بحث به‌صورت مدون ایجاد نموده است که مبنای انجام این تحقیق است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف تبیین اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز و پیامدهای سیاسی-اقتصادی تنش در آن سعی دارد تا به پرسش اصلی:

«اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز چیست؟ و ایجاد تنش در آن چه پیامدهای سیاسی و اقتصادی در عرصه منطقه ای و جهانی به دنبال دارد؟» نیز پاسخ دهد. این تحقیق بدین جهت از اهمیت برخوردار است که می‌تواند جایگاه و اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز را مورد شناسایی قرار داده و به‌عنوان مبنای علمی برای تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران ج.ا.ایران در صحنه رقابت و تنش‌های منطقه‌ای باشد. عدم انجام این تحقیق می‌تواند منجر به عدم شناخت از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این تنگه و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران در حفظ، صیانت و کنترل آن گردیده، زمینه‌های تضعیف ج.ا.ایران در منطقه را فراهم نموده و هزینه‌های گزافی را به کشور تحمیل نماید.

الف) روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی است و و نتایج آن در پی ایجاد فرهنگ و ذهنیت مشترک و آشنایی مدیران و تصمیم‌سازان حوزه سیاسی و دفاعی با این مفهوم به کار گرفته می‌شود. همچنین این پژوهش از نظر رویکرد در دسته پژوهش‌های توصیفی - کیفی قرار می‌گیرد. در این پژوهش تلاش شد با مطالعات عمیق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی که در رابطه با خلیج فارس و تنگه هرمز در دست می‌باشد، درک عمیقی از اهمیت و خصوصیات موضوع در ذهن پژوهشگر شکل گرفته و مبتنی بر روش‌شناسی کیفی، ضمن بررسی همگرایی و واگرایی تحلیل (کلمات، جملات و نظریه‌ها) و با تحلیل محتوای مفاهیم یا همبستگی واحدها، به تبیین ویژگی‌های موضوع پرداخته شود. روایی و پایایی تحلیل محتوا مبتنی بر تأیید خبرگان و پایایی آن با استفاده از معیار قابلیت اعتماد در پی اعمال رفت و برگشتی بین چند خبره دفاعی و جغرافیای سیاسی آگاه به منطقه ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته است.

ب) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱. پیشینه پژوهش

-مقاله علمی- پژوهشی با عنوان «نقش تنگه هرمز و جزایر شمالی آن در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» که توسط آقایان محمدجعفر آجرلو و مسعود باپیری در سال ۱۳۹۲ با سؤال اصلی «تنگه هرمز چه نقشی در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟» انجام گردیده است. در پایان محققان به این نتیجه رسیده‌اند که امنیت تنگه هرمز و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت در میان هشت کشور ساحلی خلیج فارس با داشتن بیشترین کرانه به‌طور متقابل به هم وابسته است و به همین دلیل ایران می‌تواند برای تأمین امنیت این منطقه

حساس از امکاناتی همچون جزایر اقماری خلیج فارس در دهانهٔ هرمز به عنوان پاشنه‌های دفاعی بهره گیرد و در کنار قدرت سخت با قدرت نرم دیپلماسی، فرهنگی و رسانه‌ای، خود را به عنوان بازیگر اصلی تأمین امنیت تنگه به همسایگان ساحلی خلیج فارس و حتی قدرت‌های فرا منطقه‌ای بقبولاند تا در نهایت با تأمین امنیت تنگه در راستای تأمین امنیت ملی خود گام بردارد.

-مقاله علمی- پژوهشی با عنوان « اهمیت استراتژیکی تنگهٔ هرمز در مقایسه با تنگه‌های بین-المللی جهان » که توسط ابراهیم عباسی، صغری طالبی و سید علی نجات در سال ۱۳۹۴ با سؤال اصلی « اهمیت استراتژیکی تنگهٔ هرمز در مقایسه با تنگه‌های بین‌المللی جهان چیست؟ » انجام گردیده است. محققان در این تحقیق، ضمن بررسی تنگه‌های استراتژیک جهان، به واکاوی بُعد استراتژیک در کنار بعد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک تنگهٔ هرمز و نقش جغرافیایی از نظر بعد ارتباطی، به این نتیجه رسیده‌اند که: امروزه از آنجایی که اهمیت دریاها به واسطهٔ گسترش روزافزون تجارت دریایی فزونی یافته است، رقابت در مورد آن‌ها گسترده‌تر شده و تنگه‌ها بیش‌ازپیش در سیاست دولت‌ها محوریت یافته‌اند.

-مقاله علمی- پژوهشی با عنوان « جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک تنگهٔ هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران » که توسط مهناز گودرزی، فرزاد محمد زاده ابراهیمی در سال ۱۳۹۶ با سؤال اصلی « ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تنگهٔ هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران در خلیج فارس چه جایگاهی دارد؟ »، انجام گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که با توجه به اینکه تنگهٔ هرمز از جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ویژه‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار است و به عنوان یک شاهراه حیاتی در خلیج فارس محسوب می‌شود، در سیاست منطقه‌ای ایران دارای جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و ایران درصدد بهره‌گیری از اهرم کنترل بر تنگهٔ هرمز جهت مهار رقبای جهانی و منطقه‌ای خود بوده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک^۱ مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست است. سائل بی کوهن^۲ عصارهٔ ژئوپلیتیک را مطالعهٔ روابطی می‌داند که میان سیاست بین‌المللی، قدرت و مشخصات جغرافیایی برقرار می‌شود (کوهن، ۱۹۹۴: ۱۷). هاگ فرینجن ژئوپلیتیک را به عنوان یک دانش، تأثیر

^۱ Geopolitic

^۲ Saul Bernard Cohen

جغرافیا را بر شخصیت سیاسی کشور، تاریخ آن، مؤسسات و به ویژه روابط آن را با دیگر کشورها مورد بررسی قرار می‌دهد (Karabulut, 2005:29). حافظ نیا، ژئوپلیتیک را این‌گونه تعریف می‌کند: «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر» (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۷-۲۶).

۲-۲. ژئواستراتژی^۱

ژئواستراتژی علم کشف روابط استراتژی و محیط جغرافیایی است که به تعیین قلمرو جغرافیایی استراتژی‌های نظامی به منظور هدایت صحیح عملیات نظامی می‌پردازد (عزتی، ۱۳۸۷:۴). به عبارت دیگر، ژئواستراتژی علم مطالعه زیربناهای جغرافیایی، شکل‌گیری و اجرای استراتژی است (Tosh, 1986.P.1).

۲-۳. منطقه ژئوپلیتیک^۲

عبارت است از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد؛ مانند منطقه خلیج فارس، منطقه دریای خزر، جنوب شرق آسیا، منطقه عربی و غیره. منطقه ژئوپلیتیک بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۲-۴. تنش^۳

واژه تنش به مجموعه‌ای از ایستارها و تمایلاتی چون عدم اعتماد و سوءظن مربوط می‌شود که مردم و سیاستگذاران در قبال طرف‌های دیگر دارند. تنش‌ها به‌خودی‌خود موجب اختلاف نمی‌گردند بلکه تنها طرف‌ها را آماده می‌سازند تا در صورت تلاش برای دستیابی به اهداف ناسازگار، رفتاری مبتنی بر اختلاف در پیش گرفته یا از خود نشان دهند (هالستی، ۱۳۸۳: ۶۹۳). تنش معمولاً به خصومت پنهان، ترس، سوءظن، تصور تضاد منافع و شاید میل سلطه‌طلبی یا انتقام‌جویی اشاره دارد (قربانی نژاد و فرجی راد، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

³ Geo Strategy

¹ Geopolitical Region

² Tention

۲-۵. تنش‌های منطقه‌ای

کشورهای که در یک منطقه حضور دارند و از وزن ژئوپلیتیکی نسبتاً برابری برخوردار هستند، در برخی مواقع به دلایل متعدد دچار تنش بوده و با استفاده از عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک کشور خود یا کشور دیگری تلاش می‌کنند موضع و نقش برتر را در آن منطقه پیدا کنند. تلاش در جهت افزایش نفوذ بیشتر در کشورهای کوچک‌تر منطقه، حضور و مداخله قدرت‌های جهانی، تسلط بر شاهراه‌ها، تنگه‌ها و بنادر کلیدی، ناامنی در تردد کشتی‌ها، اختلاف در نگرش‌های سیاست خارجی، اختلافات ارضی و مرزی، کشمکش‌ها برای برتری جویی در منطقه و اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی برخی از عوامل زمینه‌ساز تنش‌های منطقه‌ای می‌باشد (فرجی راد، ۱۳۹۸).

ج) شناخت منطقه مورد مطالعه:

۱. اهمیت خلیج فارس

خلیج فارس به لحاظ نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیا است که به سبب منابع انرژی، فضای ژئوپلیتیکی و منابع ژئواکونومیک جایگاه مهمی را برای ایفای نقش بازیگران در قالب همکاری، رقابت، کشمکش و منازعه فراهم می‌کند. بدین سان، حضور مداوم قدرت‌ها و بازیگران جهانی موجب شده تا خلیج فارس در کانون اهمیت جهانی قرار بگیرد (Klare, 2008: 44).

۲. موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز:

تنگه هرمز به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی از ارزش استراتژیک خاصی برخوردار است. این تنگه در جنوب غرب آسیا و در امتداد پیشرفتگی آب‌های اقیانوس هند در مدخل خلیج فارس قرار دارد. تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان را که دارای دو ماهیت حقوقی متفاوت‌اند، به هم می‌پیوندد و کم‌فاصله‌ترین منطقه دریایی بین شبه‌جزیره عربستان و فلات ایران است. تنگه هرمز با مختصات جغرافیایی ۲۶ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۶ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی، بین خلیج فارس و دریای عمان قرار گرفته است. این تنگه، باریکه خمیده‌شکلی است که فلات ایران را از شبه‌جزیره عربستان جدا می‌کند و آب‌های خلیج فارس را به دریای عمان (مکران) و اقیانوس هند پیوند می‌دهد (مجتهدین و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۲). طول آن را در امتداد خط منصف ۱۸۷ کیلومتر (۱۰۴ مایل دریایی) ذکر کرده‌اند. عرض تنگه هرمز در کوتاه‌ترین فاصله، یعنی بین جزایر قوین کبیر و جزیره لارک، ۳۸ کیلومتر و در بلندترین فاصله بین ساحل دو کشور یعنی از (نخل ناخدا) در ساحل ایران تا شمالی‌ترین نقطه در کشور عمان، ۹۰ کیلومتر است. عمق تنگه هرمز در مجاورت جزیره لارک ۳۶ متر و در مجاورت جزیره المسندم ۱۴۴ متر است (حافظنیا و ربیعی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

۳. اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز:

خلیج فارس به واسطه موقعیت ممتاز جغرافیایی خود، به عنوان چهارراه شرق و غرب، گذرگاه و محل برخورد بسیاری از اقوام و ملل دنیای قدیم بوده است و به علت همسایگی با کشورهای نسبتاً مهم و داشتن منابع و ثروت - چه در روزگار کهن و چه در روزگار کنونی - همواره مورد توجه بوده است. اهمیت تنگه هرمز نیز متأثر از اهمیت خلیج فارس است. در واقع می توان گفت: ارزش ارتباطی و اقتصادی تنگه هرمز با مسائل خلیج فارس پیوند خورده است؛ یعنی عوامل ارزش آفرین تنگه هرمز در زمینه های ارتباطی و اقتصادی در خلیج فارس قرار دارند و تنگه هرمز سطح اتصال اقتصاد واحد ژئوپلیتیکی خلیج فارس با اقتصاد جهان است که عبارت است از صادرات و واردات نفت و کالاهای غیرنفتی کشورهای منطقه (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۴۸۶). این تنگه برای کشورهای ساحلی و همچنین کشورهای صنعتی اهمیت فزاینده ای دارد؛ چراکه چرخ اقتصادی کشورهاشان به صادرات نفت از تنگه هرمز و همچنین امنیت انرژی آن وابسته است. روزانه در حدود ۵۵ کشتی شامل نفت کش ها و کشتی های تجاری از تنگه هرمز عبور می کند. این تنگه مناسب ترین مسیر انتقال نفت و گاز منطقه خلیج فارس به سراسر جهان می باشد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲). کشتی های تجاری حامل غلات، سنگ معدن، شکر و محصولات دیگر نیز از طریق این کریدور حیاتی خلیج فارس و بندرهای حاشیه آن مانند دویی می گذرند. تسلیحات نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق نیز از طریق این تنگه انتقال می یابد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۴). این تنگه شباهتی به کانال های سوئز و پاناما ندارد و در آن یک تانکر پانصد هزار تنی قادر خواهد بود از کنار یک کشتی عبور کند؛ اما چنانچه این تنگه بسته شود، کشورهای صنعتی با کمبود عظیم نفت و بحران جهانی روبرو خواهند شد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). تنگه هرمز مراکز تمدن های آسیایی را به مرکز تمدن های بین النهرین و مدیترانه و اروپا پیوند داده است و نقش ارتباطی تنگه هرمز به عنوان یکی از عوامل سازنده هویت ژئوپلیتیکی آن همچنان محفوظ باقی مانده است (بحرینی و مجد زاده، ۱۳۹۵: ۸۸). شایان ذکر است حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۰، موجب شد این کشور به عنوان یک بازیگر قدرتمند عملاً نقش منطقه ای خود را از دست بدهد و حضور هژمونی آمریکا در منطقه خلیج فارس استمرار یابد (Freedman, 1991:195-209).

۴. اهمیت ژئواستراتژیکی:

تنگه هرمز از لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی مزایا و اهمیت زیادی برای کشورمان دارد و به عنوان یک مزیت استراتژیکی مهم نقش و جایگاه ایران در خلیج فارس و دریای عمان را افزایش می دهد؛ (عالمی، ۱۳۹۰: ۱۴). برخی از مهم ترین جنبه های استراتژیکی تنگه هرمز شامل عوامل زیر می گردد:

۱. در حدود یک پنجم نفت مصرفی جهان را تأمین می کند و در نتیجه مناسب ترین مسیر انتقال نفت

و گاز خلیج فارس، تنگه هرمز است.

۲. قرار داشتن در مسیر انتقال انرژی مورد نیاز غرب و اتحادیه اروپا؛

۳. تکیه گاه دفاعی شبه جزیره عربستان و واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران؛

۴. موقعیتی برای ایجاد تسهیلات نیرو و لجستیک؛

۵. تنگه هرمز به عنوان حاشیه ریملند و ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری و مکمل استراتژی بری محسوب می گردد (مؤنی، ۲۱:۱۳۹۰). تنگه هرمز دارای موقعیت بی بدیلی برای حمله به ایران یا صیانت از آن است. اگر با کنترل یک قدرت خارجی بر تنگه هرمز، خلیج فارس به یک دریای بسته تبدیل شود، قابلیت های ایران خنثی و این کشور در معرض حملات متعدد قرار می گیرد (قلی زاده و کلاری، ۱۱۲:۱۳۹۴). ایران در سمت شمال تنگه هرمز، حداقل هفت جزیره استراتژیک دارد که در دیدگاه نظامی، جزایر موجود در تنه هرمز (هرمز، هنگام و لارک) به عنوان سرپل های دفاعی در برابر هرگونه تهاجم و عملیات رهگیری و جزیره قشم به عنوان جزیره پشتیبانی به صورت عام به کار می رود. ارتباط بسیار آسان استان هرمزگان و بندرعباس با جزیره قشم و این جزیره با جزایر پیش روی خود تعامل مناسبی را در هنگام منازعه و دفاع برقرار می کند (قلی زاده و کلاری، ۱۱۳:۱۳۹۴).

۵. اهمیت تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران

تنگه هرمز در حقیقت دروازه ارتباطی ایران با جهان و منطقه شمرده می شود و از نظر اقتصادی کشور ایران به شدت به تنگه هرمز وابسته است. این تنگه با امنیت ملی ایران پیوند خورده است و به عنوان یک عامل قدرت آفرین منطقه ای برای ایران اهمیت فراوان داشته و در موازنه قدرت منطقه ای، موقعیت ایران را تقویت نموده و به صورت پشتیبان برای سیاست خارجی کشور در عرصه بین المللی قابلیت کاربرد دارد. برخی از مهم ترین موارد اهمیت تنگه هرمز عبارتند از:

۱-۵. قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان غرب

ساختار ژئوپلیتیک دنیای کنونی، شامل یک ساختار سلسله مراتبی از قدرت هایی است که در جهان وجود دارند و در واقع این سیستم بر اساس مناسبات قدرت مطرح می شود و در این میان هرگونه تهدید برای انرژی به عنوان شاهرگ حیاتی نظام سرمایه داری، اخلال در مناسبات قدرت مبتنی بر ژئوپلیتیک جهانی خواهد بود. از این رو می توان گفت: انرژی، کانون و کلید اقتصاد سیاسی بین الملل محسوب می گردد و هرگونه اختلال در عرضه، تقاضا و قیمت های انرژی به طور جدی اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار می دهد (Jean, 2007: 2-1). به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار به دلیل وابستگی جهان به نفت منطقه خلیج فارس و نیز بازار مصرف ثروتمندان، این منطقه بخش حساسی از شبکه حمل و نقل اروپا را تشکیل می دهد؛ به همین دلیل در فضای ژئواستراتژیک اروپای

غربی قرار می‌گیرد. از آنجاکه آمریکا، ژاپن و استرالیا نیز به نفت منطقه خلیج فارس و آبراهه تنگه هرمز وابسته‌اند، بنابراین این منطقه در فضای ژئواستراتژیک آن‌ها نیز قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل از تنگه هرمز به‌عنوان نقطه کنترل و اعمال فشار که اهمیت استراتژیک خاصی نیز دارد، یاد می‌شود.

۵-۲. ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری

تنگه هرمز جایگاه مناسبی برای برقراری ارتباط بین بدنه اصلی نیروی دریایی با واحدهای مستقر در داخل خلیج فارس است و اساساً امکان دفاع از بخش شمالی خلیج فارس را به‌ویژه در خط دفاعی قدرت بحری در مقابله با قدرت بری به وجود می‌آورد؛ در واقع نیروهای دریایی ضمن حفظ ارتباط با عقبه خود در اقیانوس هند می‌توانند خط دفاعی خود را تا دهانه فاو گسترش دهند.



شکل ۱: موقعیت تنگه هرمز در خلیج فارس (منبع: Google Earth، ۲۰۱۷)

۵-۳. ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک

واحدهای رزمی دریایی و خشکی مستقر در خلیج فارس و داخل کشورهای منطقه به تدارک مستمر نیاز دارند و تأمین نیرو و تدارکات از قبیل مهمات و اسلحه، غذا و پوشاک عمدتاً با ناوگان دریایی انجام می‌پذیرد و ناوگان نیز برای تأمین آن باید از تنگه هرمز بگذرد.

۵-۴. صرفه‌جویی در قوا

قدرت‌های بری و بحری برای کنترل خلیج فارس و سواحل آن در تنگه هرمز به حداقل نیرو نیاز دارند، در صورتی‌که انجام عملیات نظامی در داخل خلیج فارس به استفاده از نیروی زیادی احتیاج دارد. اتکای تنگه هرمز به آب‌های آزاد و عمیق اقیانوس هند، امکان تصرف تنگه را به قدرت بحری می‌دهد. مجموع امتیازات ژئواستراتژیکی تنگه هرمز آن را دارای خصوصیات منحصربه‌فردی کرده

است که کمتر تنگه‌ای از آن برخوردار است؛ به‌ویژه که تنگه هرمز جایگزین ندارد (بحرینی و مجد زاده، ۱۳۹۵: ۹۲)

۵-۵. قدرت و امنیت

دهلیز جنوبی فلات ایران رو به تنگه باز می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین مسیرهای ارتباطی داخل فلات ایران به تنگه هرمز مسیر کرمان به بندرعباس است. کنترل و حفاظت از بندرعباس، به مفهوم حفاظت از امنیت ایران است و این موضوع آسیب‌پذیری و تهدید از حاشیه جنوبی آن را کاهش می‌دهد. کنترل تنگه از سوی ایران به معنی حفظ پیوستگی سواحل جنوبی ایران و حفظ ارتباط واحدهای دریایی ایران است و حفظ این وحدت، امکان دفاع از سواحل جنوبی ایران را راحت‌تر می‌کند. حذف تنگه از قلمرو ایران به معنی ایجاد محدودیت در خشکی و دسترسی به دریای بسته خلیج فارس است، ضمن اینکه ایجاد وحدت فرماندهی بین پایگاه‌ها و واحدهای سواحل دریای عمان و خلیج فارس را با مشکل روبرو خواهد کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۷۱)

۵-۶. تسلط بر تنگه هرمز

تسلط بر تنگه هرمز و خلیج فارس برای هر کشوری یک ارزش راهبردی به حساب می‌آید که به او امکان کنترل حمل‌ونقل انرژی موردنیاز دنیا را می‌دهد. خلاصه باید گفت که تنگه هرمز به لحاظ راهبردی در میان تنگه‌های راهبردی جهان، اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران به علت برخورداری از مزایای ژئوپلیتیکی، نقش اصلی را بر عهده دارد. ایران به دلایل زیر از موقعیت برتری در مقایسه با عمان در تنگه هرمز برخوردار است:

۱. وسعت زیاد؛
۲. جمعیت زیاد همراه با مشخصه‌های فرهنگی و اعتقادی قدرت آفرین؛
۳. طول ساحل بیشتر در تنگه؛
۴. نیروی نظامی کمی و کیفی؛
۵. ذخایر نفت و گاز زیاد؛
۶. فضا و توپوگرافی مناسب در ساحل شمالی تنگه برای گسترش و آرایش نیروهای نظامی مدافع تنگه؛
۷. داشتن نیروی دریایی دائمی همراه با وحدت فرماندهی در شرق، غرب و داخل تنگه؛
۸. برخورداری از جزایر راهبردی که تکیه‌گاه‌های دفاعی تنگه هستند؛ نظیر قشم، هنگام، لارک، هرمز، ابوموسی و تنبها؛

۶. اهمیت تنگه برای کشورهای منطقه حوزة خلیج فارس:

به‌طور کلی می‌توان دلایل اهمیت تنگه هرمز برای کشورهای منطقه حوزة خلیج فارس را در موارد زیر خلاصه کرد:

۶-۱. تکیه‌گاه دفاعی شبه‌جزیره عربستان

شبه‌جزیره عربستان سه نقطه کنترلی و دفاعی دارد که دفاع از شبه‌جزیره را آسان می‌کند؛ این سه نقطه عبارتند از: تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب و کانال سوئز. تنگه هرمز هم برای قدرت دریایی در مقابله با قدرت بری و هم برای قدرت بری برای مقابله با قدرت دریایی نقش دفاعی مناسبی دارد. اگر توجه کرده باشیم بعد از بحران کویت، نیروهای دریایی آمریکا و غرب عموماً پیرامون سه نقطه مزبور و فی‌مابین آن مستقر شدند و شبه‌جزیره عربستان را در حصار گرفتند.

۶-۲. وابستگی کامل این کشورها به تنگه هرمز در حوزة اقتصاد (صادرات و واردات)

کشورهای منطقه خلیج فارس از حیث صادرات و واردات کالا به تنگه هرمز وابستگی شدیدی دارند. کارشناسان اقتصادی معتقدند: در صورت بسته شدن تنگه هرمز، بازارهای جهانی نفت با کمبود ۲۰ میلیون بشکه‌ای مواجه می‌شوند و احتمال دارد که بهای نفت از مرز بشکه‌ای ۲۵۰ دلار هم بگذرد. با توجه به محصور بودن امارات متحده میان عمان، عربستان و خلیج فارس، تنگه هرمز برای این کشور از اهمیت حیاتی برای صدور انرژی یا ورود کالا برخوردار است؛ بر این اساس شاید بتوان گفت در صورت درگیری در تنگه هرمز یا مسدود شدن آن از سوی کشورهای منطقه، امارات متحده یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها خواهد بود.

۷. طرح‌های جایگزینی خطوط لوله عربی در تنگه هرمز

در سالیان اخیر آمریکا و هم‌پیمانان عرب اش، به‌ویژه امارات متحده عربی و عربستان، به دلیل نگرانی از امکان انسداد تنگه هرمز در اثر منازعات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، اندیشه چندگانه کردن مجاری صدور نفت از خلیج فارس به نقاط مختلف جهان برای خروج از بن‌بست ژئوپلیتیکی و دور زدن تنگه هرمز را در دستور کار قرار داده‌اند. در این راستا تنش موجود بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و بین کشورهای جنوبی خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، به همراه برخی مواضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز در شرایطی خاص، موجب خواهد شد که هزینه‌های طرح‌های جایگزین آبراه تنگه هرمز برای کشورهای صادرکننده نفت در این حوزه توجه‌پذیر شود که پیامد آن کاهش اهمیت تنگه هرمز است و مزیت اهرم استراتژیک جمهوری اسلامی ایران کاسته خواهد بود (مدرس و کرمی، ۱۳۹۳: ۲۴۰). ساخت این کانال‌ها، موقعیت تنگه هرمز را به شدت تقلیل داده و موقعیت استراتژیک جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک

و بوموسی را که دولت امارات مدعی مالکیت آن است، کاهش می‌دهد (08 Sep, 2008 ، Hatoum).

۸. نظریات دانشمندان ژئوپلیتیک در رابطه با تنگه هرمز:

تنگه هرمز در نظریات ژئوپلیتیکی از جمله نظریات اسپایکمن و مکیندر درباره مناطق هارتلند و ریملند که منظور کشورهای ساحلی شبه جزیره واقع در غرب و جنوب اروپا و جنوب آسیا است، جایگاه برجسته‌ای دارد. در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیکی، خلیج فارس در موقعیت ریملند جهانی واقع شده است که بر این اساس تنگه هرمز مرکز ریملند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی را به هم پیوند می‌دهد. بر طبق نظریه ریملند، کنترل تنگه هرمز به مفهوم کنترل چهار بخش یادشده خواهد بود؛ بنابراین همیشه و در طول تاریخ اهمیت فزاینده‌ای در بین قدرت‌های بزرگ داشته است. اهمیت تنگه هرمز در طول تاریخ با الهام از نظریه معروف مکیندر بیشتر برجسته خواهد شد که بر این اعتقاد بود که هر قدرتی که به تنگه هرمز دست یابد به خلیج فارس دست خواهد یافت و هر قدرتی که به خلیج فارس دست یابد به منابع عظیم انرژی دست خواهد یافت؛ در نتیجه هر قدرتی که منابع عظیم انرژی را در اختیار داشته باشد، بر اقتصاد جهان مسلط خواهد شد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴:۲۳)

۹. عوامل تنش در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز:

منطقه خلیج فارس که از هشت واحد سیاسی تشکیل شده است، به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و راهبرد پردازان از سال ۱۹۷۱م به دنبال خروج نیروهای انگلیسی، به طور فزاینده‌ای به شکل یک کلاف امنیت منطقه‌ای، هویتی مستقل پیدا کرده و قابلیت نظم درون منطقه‌ای در خلیج فارس ایجاد شده است اما وقوع چهار جنگ خانمان سوز در طول سه دهه و بروز بحران‌های پی‌درپی، این منطقه را به کانون ناامنی‌ها بدل نموده است. لذا شناخت عمیق از عواملی که موجب بروز تنش در کشورهای منطقه می‌گردد و بررسی ریشه اختلافات و عوامل تنش‌زا و ارائه راه‌حل‌های مناسب در جهت رفع آن‌ها می‌تواند به کاهش تردیدها و بهبود روند تفهیمات، اشتراک مساعی و همگرایی در میان کشورهای خلیج فارس کمک کند و تصویر روشنی از تعاملات آتی کشورهای منطقه ترسیم نماید. البته باید اذعان کرد این منطقه از یک سو با محیط خارجی خود و از سوی دیگر، با محیط داخلی بازیگران «منطقه ساز» خود در تعامل قرار دارد و به این لحاظ، نظام منطقه‌ای، ورودی بحران‌ساز را از دو محیط مزبور دریافت می‌نماید (خلیلی، ۱۳۹۰:۲۳۹). مهم‌ترین عوامل تنش و منازعه در نظم منطقه‌ای حوزه خلیج فارس به دو دسته عوامل تأثیرگذار منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تقسیم می‌گردد:

۹-۱. عوامل تأثیرگذار منطقه‌ای:

۱. ناسازگاری و واگرایی در اثر ناکارکردی بین بازیگران منطقه‌ای و دولت‌های حاکم در کشورهای منطقه؛
۲. تعارضات قومی- مذهبی و هویتی؛
۳. مناقشات ارضی و مرزی؛
۴. ماهیت رژیم‌های حاکم بر منطقه؛
۵. مسابقه تسلیحاتی در منطقه؛
۶. نگرش متعارض امنیتی بازیگران منطقه‌ای (عدم توافق جمعی کشورهای منطقه بر سر تأمین امنیت و وجود اختلاف در نگرش ج.ا.ایران و سایر کشورها نسبت به امنیت خلیج فارس)؛
۷. منازعه قدرت و جهت‌گیری‌های متفاوت در سیاست خارجی؛
۸. دخالت دادن قدرت‌های بزرگ خارجی در مورد مسائل منطقه؛
۹. عدم احترام و رعایت کشورهای منطقه از پیمان‌ها و معاهدات رسمی؛
۱۰. بی‌کفایتی شورای همکاری خلیج فارس در حل اختلافات کشورهای عضو این شورا.

۹-۲. عوامل تأثیرگذار فرا منطقه‌ای:

۱. حضور نیروهای بیگانه به‌ویژه آمریکایی‌ها و اتحادیه اروپا در منطقه (به‌منظور حفظ جایگاه هژمونیک خود در نظام بین‌الملل)؛
 ۲. توجه بیش‌ازحد کنشگران بین‌المللی و علاقه وافر به حضور در آن به‌واسطه دو عامل: منابع انرژی و ویژگی‌های جغرافیایی خاص؛
 ۳. میل به دستیابی به منابع انرژی خلیج فارس (اثرگذاری چشمگیر این زیر نظام منطقه‌ای بر بازار انرژی)؛
 ۴. مجاورت خلیج فارس با منطقه موسوم به هارتلند انرژی. (بخش جنوبی هارتلند)؛
 ۵. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای (حضور آمریکا و اروپا، نفوذ روسیه در آب‌های خلیج فارس، مساعی چین، هند و ژاپن برای کسب بهترین بازار مصرف)؛
 ۶. تلاش ناتو در جهت حضور و تقویت روابط سودمند با کشورهای منطقه؛
 ۷. تلاش رژیم اشغالگر قدس به‌طور مستقیم در جهت ایجاد عدم اعتماد و شکاف میان ج.ا.ایران و کشورهای عربی منطقه (خلیجی، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۳۹).
- تنگه هرمز به لحاظ وابستگی دنیای صنعتی غرب به نفت خلیج فارس برای رفع نیازهای صنعتی، دفاعی و خدماتی خود به‌عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار ویژه مطرح است؛ این تنگه در اختیار هر یک از قدرت‌های جهانی باشد، می‌تواند موازنه استراتژیک را به نفع وی تغییر دهد، این تنگه در

طول تاریخ، صحنه رقابت ابرقدرت‌های جهانی بوده است. آمریکا به‌عنوان قدرت بحری که بیشترین نیاز را به تنگه هرمز دارد، با حضور خود در شبه‌جزیره‌ی المسندم عمان، عملاً کنترل تنگه را از سواحل جنوبی آن در اختیار گرفته است؛ بخش شمالی تنگه نیز در حال حاضر در کنترل ایران به‌عنوان یک کشور مستقل و یک قدرت منطقه‌ای قرار دارد، به‌تبع اهمیت بالای این تنگه در مباحث ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، نقش ژئوپلیتیکی تنگه هرمز به‌خوبی نمایان می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان کم‌نظیرترین یا حتی بی‌نظیرترین آبراه دنیا لقب داد که توجه قدرت‌های بزرگ را همیشه به سمت خود معطوف کرده و برای کشور ایران که درصدد تبدیل کردن خود به یک قدرت منطقه‌ای است از اهمیت زیادی برخوردار است و در موارد زیادی از جمله در موضع‌گیری‌های سیاسی به‌عنوان یک نقطه قوت توسط دولتمردان از آن استفاده شده و به نظر می‌رسد که توانسته است در پیشبرد بعضی اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک شایانی نماید (نامی، ۱۳۸۹: ۷۳). در صورتی که جمهوری اسلامی ایران قدرت لازم برای بهره‌برداری از پتانسیل قدرت آفرینی تنگه هرمز را نداشته باشد این پدیده علاوه بر تأثیر منفی در امنیت ملی ایران به‌عنوان یکی از عوامل تضعیف‌کننده کشور، باعث رقابت دیگر کشورهای قدرتمند برای تسلط و نفوذ در آن می‌شود که تأثیر منفی مضاعفی بر امنیت ملی می‌گذارد (آجرلو و باپیری، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

۱۰. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تنگه هرمز که از جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار است، به‌عنوان یک شاهراه حیاتی در خلیج فارس محسوب می‌شود و در سیاست منطقه‌ای ایران دارای جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای است. در این بخش از مقاله، خصوصیات بارز مربوط به خصوصیات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز در قالب جدول زیر پس از تلخیص و فشرده‌سازی، دسته‌بندی شده و همگرایی و واگرایی احتمالی این خصوصیات در جمع‌بندی نهایی با رویکرد تحلیل محتوا تبیین گردیده است.

جدول (۱) تحلیل محتوای خصوصیات ژئوپلیتیکی تنگه هرمز

منبع	خصوصیات بارز	عنوان
(حافظ نیا، ۴۸۶:۱۳۸۸)	<p>- تنگه هرمز سطح اتصال اقتصاد واحد ژئوپلیتیکی خلیج فارس با اقتصاد جهان است که عبارت است از صادرات و واردات نفت و کالاهای غیرنفتی کشورهای منطقه.</p> <p>- چرخ اقتصادی کشورهای منطقه به صادرات نفت از تنگه هرمز و همچنین امنیت انرژی آن وابسته است.</p> <p>- این تنگه شریان حیاتی اقتصادی دنیا است که در سیاست‌های نظامی و دفاعی ایران تهدید به بستن آن در مقابل فشارهای قدرت‌های مداخله‌گر برون منطقه‌ای، به‌عنوان ابزار و اهرم متقابلی است.</p> <p>- این تنگه مناسب‌ترین مسیر انتقال نفت و گاز منطقه خلیج فارس به سراسر جهان است.</p> <p>- روزانه در حدود ۵۵ کشتی شامل نفت‌کش‌ها و کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز عبور می‌کند.</p>	اهمیت ژئوپلیتیکی
(حافظ نیا، ۴۸۶:۱۳۸۸)	<p>تسلط بر تنگه هرمز و خلیج فارس برای هر کشوری یک ارزش راهبردی به حساب می‌آید که به او امکان کنترل حمل‌ونقل انرژی موردنیاز دنیا را می‌دهد.</p>	
(عزتی ۲۰۴:۱۳۹۶).	<p>تسلیمات نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق نیز از طریق این تنگه انتقال می‌یابد.</p>	
(خلیلی، ۱۲۲:۱۳۹۰).	<p>- تنگه هرمز راه دریایی مهم و مرکز بازرگانی بین‌المللی برای صدور محصولات مختلف از جمله نفت، خرما، قالی، خشکبار، مواد غذایی، خاک سرخ، ماهی، میگو و مروارید است.</p> <p>- چنانچه این تنگه بسته شود، کشورهای صنعتی با کمبود عظیم نفت و بحران جهانی روبرو خواهند شد.</p>	
(بحرینی و مجد زاده ۸۸:۱۳۹۵)	<p>- تنگه هرمز گذرگاه انتقال فرهنگ و تمدن ایران زمین به عمان و هند نیز است.</p> <p>- تنگه هرمز به‌عنوان بخش مهم یک سیستم ارتباطی بین سه قاره آسیا، آفریقا، اروپا و همچنین سه اقیانوس بزرگ کبیر، هند و اطلس و نیز شبکه ارتباط دریایی خلیج فارس و دریای عمان به خلیج عدن، دریای سرخ و دریای مدیترانه عمل کرده و می‌کند.</p> <p>- تنگه هرمز مراکز تمدن‌های آسیایی را به مرکز تمدن‌های بین‌النهرین و مدیترانه و اروپا پیوند داده است.</p>	
(عباسی و همکاران، ۲۳:۱۳۹۴)	<p>- در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیکی، تنگه هرمز مرکز ریموند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی را به هم پیوند می‌دهد. (نظریه ریموند)</p>	
(عباسی و همکاران،	<p>- هر قدرتی که به تنگه هرمز دست یابد، به خلیج فارس دست خواهد یافت</p>	

(۲۲:۱۳۹۴)	(نظریه مکیندر)	
(چمن کار، ۱۳۹۰: ۱۳-۶)	-خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است؛ مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس قرار دارد. هرگونه آشفتگی که بر اثر عوامل بیرونی در این منطقه پدید آید، پیامدهایی را برای دو قاره اروپا و آفریقا خواهد داشت. (نظریه فون لوهازن)	
(حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳-۲)	تنگه هرمز در حدود یک پنجم نفت مصرفی جهان را تأمین می کند و در نتیجه مناسب ترین مسیر انتقال نفت و گاز خلیج فارس در تنگه هرمز واقع است	

جدول (۲) تحلیل محتوای خصوصیات ژئواستراتژیکی تنگه هرمز

منبع	خصوصیات بارز	عنوان
(حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۴۷۱)	- تسلط بر تنگه هرمز و خلیج فارس برای هر کشوری یک ارزش راهبردی به حساب می آید که به او امکان کنترل حمل و نقل انرژی مورد نیاز دنیا را می دهد. - دهلیز جنوبی فلات ایران رو به تنگه باز می شود و یکی از بزرگ ترین مسیرهای ارتباطی داخل فلات ایران به تنگه هرمز، مسیر کرمان به بندرعباس است. - کنترل و حفاظت از بندرعباس به مفهوم حفاظت از امنیت ایران است و این موضوع آسیب پذیری و تهدید از حاشیه جنوبی آن را کاهش می دهد. - تنگه هرمز در برخورداری ایران از نیروی دریایی و افزایش قدرت آن نقشی اساسی دارد.	اهمیت ژئواستراتژیکی
(عالمی، ۱۳۹۰: ۱۴)	- از لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی مزایا و اهمیت زیادی برای کشورمان دارد و به عنوان یک مزیت استراتژیکی مهم، نقش و جایگاه ایران را در خلیج فارس و دریای عمان افزایش می دهد. - تنگه هرمز در ابعاد مختلف جغرافیایی، اقتصادی و امنیتی دارای مؤلفه های استراتژیکی برجسته ای است که کشور را در رسیدن به اهداف راهبردی خود یاری می رساند.	
(مؤمنی، ۱۳۹۰: ۲۱)	- قرار داشتن در مسیر انتقال انرژی مورد نیاز غرب و اتحادیه اروپا - تکیه گاه دفاعی شبه جزیره عربستان و واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران. - تنگه هرمز به عنوان حاشیه ریملند و ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری و مکمل استراتژی بری محسوب می گردد. - موقعیتی برای ایجاد تسهیلات نیرو و لجستیک.	
(چمن کار، ۱۳۹۰: ۱۳-۶)	کنترل خلیج فارس (تنگه هرمز) به وسیله یک دولت خارجی با نیروی دریایی قابل توجه ناوگان جنگی که دارای بندرهای نظامی نیرومند باشد، سبب تسلط بر تمام راه هایی که به خاور دور، هندوستان و استرالیا منتهی می شود، خواهد گردید (نظریه آلفرد تاپر ماهان).	
(عباسی و همکاران، ۲۳:۱۳۹۴)	ایران با داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، نقش برجسته پدافند بحری را در منطقه ای دارد که صحنه رقابت میان دول ابرقدرت شرق و	

	غرب است (نظریه اسپایکمن).	
(عباسی و همکاران، ۲۳:۱۳۹۴)	-خلیج فارس و دریای عمان اهمیت فراوانی در معادلات جهانی ابرقدرت‌ها داشته و محل رقابت بحری آمریکا و اتحاد شوروی است (نظریه کمر بند شکننده کوهن)	
(قلی زاده و کلاری، ۱۱۴:۱۳۹۴)	-تنگه هرمز دارای موقعیت بی‌بدیلی برای حمله به ایران یا صیانت از آن است. اگر با کنترل یک قدرت خارجی بر تنگه هرمز، خلیج فارس به یک دریای بسته تبدیل شود، قابلیت‌های ایران خنثی و این کشور در معرض حملات متعدد قرار می‌گیرد.	
(عزتی و همکاران، ۲۰۰:۱۳۹۶)	-اهمیت سوق الجیشی تنگه هرمز و موقعیت ایران، بر روابط سیاسی ایران با کشورهای صادرکننده نفت و گاز خلیج فارس از یکسو و با کشورهای مصرف‌کننده نفت از سوی دیگر اثر می‌گذارد.	
(مجتهد زاده، ۱۳۷۳: ۸۷)	حساس‌ترین جزایر استراتژیک در تنگه هرمز که بر راه‌های ورودی و خروجی آن اشرف دارند، در حاکمیت ایران است.	
(قلی زاده و کلاری، ۱۱۳:۱۳۹۴)	-بین مناطق آبی و تنگه‌های جهان، فقط تنگه هرمز است که دارای جزایر بسیار مهم و حیاتی است که این امر در جهت دفاع از تنگه، ساحل و مرزهای خشکی و حاکمیت و امنیت کشور نقش اساسی دارد. - در دیدگاه نظامی، جزایر موجود در تنگه هرمز (هرمز، هنگام و لارک) به‌عنوان سرپل‌های دفاعی در برابر هرگونه تهاجم و عملیات رهگیری و جزیره قشم به‌عنوان جزیره پشتیبانی به کار می‌رود. -ارتباط بسیار آسان استان هرمزگان و بندرعباس با جزیره قشم و این جزیره با جزایر پیش روی خود، تعامل مناسبی را در هنگام منازعه و دفاع برقرار می‌کند.	
(آجرلو و بایبری، ۱۳۰:۱۳۹۲)	در صورتی که جمهوری اسلامی ایران قدرت لازم برای بهره‌برداری از پتانسیل قدرت آفرینی تنگه هرمز را نداشته باشد این پدیده علاوه بر تأثیر منفی در امنیت ملی ایران به‌عنوان یکی از عوامل تضعیف‌کننده کشور و رقابت دیگر کشورهای قدرتمند برای تسلط و نفوذ در آن می‌شود که تأثیر منفی مضاعفی بر امنیت ملی می‌گذارد.	
(بحرینی و مجد زاده، ۹۲:۱۳۹۵)	-ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری -ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک - صرفه‌جویی در قوا	

<p>(نامی، ۱۳۸۹: ۷۳).</p>	<p>تنگه هرمز برای کشور ایران که درصدد تبدیل کردن خود به یک قدرت منطقه‌ای است از اهمیت زیادی برخوردار است و به نظر می‌رسد توانسته است در پیشبرد بعضی اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک شایانی نماید. این تنگه در اختیار هر یک از قدرت‌های جهانی باشد، می‌تواند موازنه استراتژیک را به نفع وی تغییر دهد.</p>	
--------------------------	--	--

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

- معمولاً در تمام کشورهای جهان عوامل قدرت‌یابی کشورها را بر اساس مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی آن قرار می‌دهند و کشورها در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود از این مؤلفه ژئوپلیتیکی به‌شدت بهره می‌برند. ازجمله این مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، تنگه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی است که از عوامل قدرت‌یابی بسیار مهمی محسوب می‌گردند. امروزه با وقوع تحولات جدید ازجمله کشف نفت و به دنبال آن تحولات شکرگرف در عرصه فناوری، نقش ژئواکونومیکی تنگه‌های بین‌المللی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است و با ورود قدرت‌های بزرگ و تسلط بر این مناطق در جهت تأمین منافع خود، بعداستراتژیکی در کنار بعد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به آن افزوده شد.
- همان‌گونه که در جداول شماره یک و دو ملاحظه می‌شود، اغلب موارد ارائه شده در رابطه با تنگه هرمز مشتمل بر مفاهیمی هستند که بر اصول بنیادین و اساسی ژئوپلیتیک استوار بوده و به‌عنوان دیدگاه و بعضاً نظریه مطرح شده‌اند. اکثر این نظریات اظهار می‌کنند: تنگه هرمز از ارزش‌های خاص ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک برخوردار بوده و در این زمینه همگرایی دارند. ویژگی مشترک این مفاهیم این است که خلیج فارس و تنگه هرمز در نیم‌قرن اخیر، بدون تردید، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیک و محاسبات استراتژیک بوده است. تنگه هرمز یکی از استراتژیکی‌ترین تنگه‌های جهان است و اوضاع حاکم بر آن می‌تواند اقتصاد جهان را دستخوش تغییر یا حتی بحران کند. علاوه بر تولیدات نفت کشورهای مشرف بر خلیج فارس که از تنگه هرمز عبور می‌کند، بخش اعظمی از ترانزیت‌های تجاری به ارزش

میلیاردها دلار نیز از این معبر صورت می‌گیرد و این مسئله است که تنگه هرمز را به مهم‌ترین معبر دریایی در دنیا تبدیل کرده است.

۳. به دلایلی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت این احتمال زیاد است که تنش در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز ادامه پیدا کند. بستن و انسداد این تنگه حیاتی و بروز هرگونه ناامنی تردد در آن، آثار زیانبار و جبران‌ناپذیری از قبیل حضور و مداخله قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، ناامنی در تردد کشتی‌ها (مسئله‌ای که در سالیان اخیر شاهد آن بوده‌ایم)، فشار اقتصادی و سیاسی بر کشورهای حوزه خلیج فارس، افزایش قیمت نفت، تزلزل اقتصاد جهان، تحریم و محدود شدن واردات کالاهای مهم و صنعتی، اختلال در حمل‌ونقل کشتی‌ها و صدور نفت، بحران‌های سیاسی، اقتصادی و انرژی در سطح جهانی و ... را در پی خواهد داشت.

۴. طی چند دهه گذشته منازعه، مبارزه و رقابت دائمی به یک پدیده عادی در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. از میان عوامل موجود، می‌توان به روابط پرتنش بین ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران و تهدید به بستن تنگه هرمز اشاره کرد. این احتمال وجود دارد که ناام شدن خلیج فارس و تنگه هرمز باعث آغاز تلاش کشورهای منطقه در جهت تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود و آمریکا و کشورهای غربی سخت به دنبال این هستند که این ائتلاف در جهت مقابله با ایران تشکیل شود که این امر به نفع ایران نخواهد بود و به حل مشکلات احتمالی کمکی نخواهد کرد. ایران در جهت کاهش تنش در حوزه خلیج فارس به یک دیپلماسی بسیار فعال نیازمند است. در این راستا، توسعه روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس و تلاش برای کاهش و یا رفع کدورت‌های فی‌مابین در چارچوب اصول نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است.

۵. تنگه هرمز تا زمانی راهبردی است که جریان اقتصادی و انتقال انرژی از آن با امنیت صورت پذیرد و در صورت ناامن شدن این تنگه برای زمان طولانی و با ایجاد بار روانی مبنی بر بستن این تنگه به‌طور متناوب، علاوه بر اینکه موجب افزایش تنش بین ج.ا.ایران و کشورهای منطقه می‌گردد، سایر کشورها را به فکر استفاده از روش‌های جایگزین خواهد انداخت. بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا می‌کوشند با ارائه طرح‌هایی که مسیرهای جایگزین دیگری را جهت انتقال انرژی کشورهای حوزه خلیج فارس در نظر می‌گیرد، از اهمیت تنگه هرمز کاسته و وابستگی خود را به تأمین انرژی از این مسیر در مواقع بحران کاهش بدهند و در واقع با این عمل به‌نوعی خواستار آن هستند که ابتکار عمل ایران را در تسلط بر این منطقه استراتژیک از جهان به‌عنوان یک عامل برتر جغرافیایی و به‌عنوان برگ برنده کشور در مواقع بحران محدود کنند. بدین ترتیب ایران نه تنها منافع اقتصادی بلکه منافع امنیتی خود را نیز از دست خواهد داد.

۶. به‌عنوان یک راهکار می‌توان گفت که: جمهوری اسلامی ایران ضمن افزایش قدرت ملی خود باید پیشگام اجرای استراتژی تأمین امنیت تنگه هرمز باشد؛ چراکه این کار باعث تجلی اقتدار نظامی ایران در منطقه خلیج فارس خواهد شد و پذیرش نقش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را در حفاظت از منافع مشترک ملت‌ها و کشورها در تنگه هرمز به ارمغان خواهد آورد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته‌جمعی باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی در منطقه می‌شود. با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای کرانه‌ای را بدون شرکت هیچ کشور دیگری در برگیرد.

پیشنهادها

- با توجه به مطالعه وضعیت تنگه هرمز و تحقیقات انجام‌شده و مصاحبه با نخبگانی که در این حوزه تجربه و مطالعه داشته‌اند، موارد ذیل جهت تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:
۱. راهکارهای افزایش نقش جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز با هدف کاهش تنش در این تنگه موردبررسی و مطالعه قرار گیرد.
 ۲. تشکیل یک ائتلاف امنیت جمعی با حضور کشورهای منطقه در جهت کاهش حضور بیگانگان در این منطقه موردتحقیق و مطالعه قرار گیرد.
 ۳. انتقال سرمایه‌گذاری‌های کلان از منطقه خلیج فارس به سواحل عمان - به‌ویژه بین چابهار و جاسک - و انتقال پایانه‌های نفتی از خلیج فارس به دریای عمان مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

الف. منابع فارسی

- آجرلو، محمدجعفر و باپیری مسعود (۱۳۹۲). «نقش تنگه هرمز و جزایر شمالی آن تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و یکم، شماره ۸۴، پائیز -بهرین، علی و مجد زاده خاندانی، بهروز (۱۳۹۵). «بررسی آزادی عبور از تنگه‌ها و امکان مسدود کردن تنگه هرمز در حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی**، شماره ۱ چمن‌کار، محمدجعفر (۱۳۸۹). «نظریات اندیشمندان ژئوپلیتیک جهان در مورد اهمیت نظامی خلیج فارس»، **فصل‌نامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام**، شماره ۱، صص ۱-۱۷
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز**، تهران: سمت
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). **مبانی ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس**، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش خلیج فارس، تهران: مؤسسه جغرافیایی
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). «تنگه هرمز، کدام استراتژی؟ بستن یا نبستن»، **فصل‌نامه انجمن ژئوپلیتیک ایران**.
- حافظ نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (۱۳۹۱). **نقش استراتژیک خلیج فارس**، انتشارات سمت.
- خلیلی، محمدحسین (۱۳۹۰). **امنیت در خلیج فارس؛ اولویت‌ها و راهکارها**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- عالمی، حمزه (۱۳۹۰). «نقش تنگه هرمز در حفظ امنیت ملی ایران»، **پیشگامان**، شماره ۱۳.
- عباسی، ابراهیم؛ طالبی، صغری و نجات، سید علی (۱۳۹۴). «اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز در مقایسه با تنگه‌های بین‌المللی جهان»، **فصل‌نامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی**، شماره ۱۳
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۷). **ژئواستراتژیک در قرن بیست و یکم**، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله؛ عاشوری، غلامرضا و مرتضایی، شیدا (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ایران»، **مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، شماره ۲
- فرجی راد، عبدالرضا؛ نصرتی، شهریار؛ بازدار، شهناز و کنشلو، مهرداد (۱۳۹۵). «تحلیل نقش مذهب در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خلیج فارس»، **مجله نگرش‌های نو در جغرافیا انسانی**، سال هشتم، شماره ۳۰ بهار. صص ۴۵-۶۲
- قلی زاده، سید ابراهیم و کلاری، بشیر (۱۳۹۴). «نقش محیط طبیعی خلیج فارس و تنگه هرمز در نبرد ناهم‌تراز»، **فصل‌نامه جغرافیای نظامی و امنیتی**، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۱۹

- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۴). **ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- گودرزی مهناز و محمد زاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۶). «جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تنگه هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۳، پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۳). **کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، چاپ سوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: انتشارات سمت مصاحبه با دکتر فرجی راد، مورخه ۹۸/۸/۱۴.
- مجتهدین، الهام؛ هادوی، فاطمه و پور اسماعیل، اکرم (۱۳۹۴). «بررسی تغییرات شوری و رسوبات خلیج فارس تا شرق تنگه هرمز»، **فصلنامه کواترنری ایران**، دوره ۱، شماره ۳.
- مدرس، محمدولی و کرمی ناوه‌کش، محسن (۱۳۹۳). «پیامدهای ژئوپلیتیکی خطوط لوله عربی بر تنگه هرمز»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی**، دوره ۳ شماره ۱، صص ۲۳۹-۲۶۸.
- نامی، محمدحسن (۱۳۸۹). **تنگه‌ها و نقاط استراتژیک جهان**، تهران: نشر سپهر، زیتون سبز
- نجاتی منفرد، علیرضا (۱۳۹۷). **شناخت محیط ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی عمان و ایران)**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نمای راهبردی (۱۳۹۷). **سناریوهای جایگاه آتی خلیج فارس در نظام بین‌الملل**، سال سوم، شماره شصت‌وسه، اردیبهشت. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نمای راهبردی (۱۳۹۷). **امارات**، شماره ۱۹، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نمای راهبردی (۱۳۹۷). **بررسی و تحلیل اهداف عربستان برای احداث کانال سلوی**، شماره ۲۵۷، صفحه ۸، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- هالستی، کی. جی (۱۳۸۳). **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب. منابع انگلیسی

- Cohen, saul.b (1994). geopolitics in the new world era.chapter 2 form reordering the world, edited by: George j.demko & William B.world.usa: westviwe press.
- Freedman, Lawrence (1991). "The Gulf War and the New World Order", Survival, Volume 33, Issue 3, May, pages 195-209.
- Hatoum, Majdoline (2008). "Dubai Mulls Oil Canal to Bypass Iran's Hormuz Threat" Dow Jones Newswires, Sep 08.
- Jean, Marie (2007). Economics and Geopolitics of Energy, Centre de Geopolitique deEnergie et des Matieres Premieres (CGEMP), Universities Paris Dauphine, p1-2.
- Karabulut, Bilal (2005). Strateji Jeostrateji Jeopolitik; Ankara: Platin
- Klare, M. T (2008). Rising Powers, Shrinking Planet, The New Geopolitics of Energy New York, Henry Holt Company.-Tosh, Das Shiva, (1986) Geostrategies-kitab Mahal-India 1986, P, 1.